



درس‌هایی برای زندگی

گفت‌وگو با مسئول گروه مطالعات اجتماعی دفتر تألیف کتاب‌های درسی

سمانه آزاد

سال‌ها بود که سه درس تاریخ، جغرافیا و علوم اجتماعی یا همان مدنی سه درس جداگانه بودند با یک معلم. اما حالا که نظام آموزش و پرورش کشور در آستانه تحول قرار گرفته، راهنمای برنامه جدیدی برای حوزه مطالعات اجتماعی تدوین شده که این سه درس را به‌عنوان یک حوزه یادگیری در نظر گرفته است. یعنی از این به بعد این سه درس در یک کتاب و البته به‌صورت تلفیقی ارائه خواهد شد.

دکتر ناهید فلاحیان، مسئول گروه مطالعات اجتماعی دفتر تألیف کتاب‌های درسی معتقد است، رویکرد برنامه جدید مطالعات اجتماعی، همسو با برنامه درسی ملی و رویکردی فرهنگی، تربیتی و مبتنی بر تربیت اجتماعی و شهروندی است. یکی از مهم‌ترین اهداف برنامه جدید، پیوند موضوعات درسی با مسائل زندگی دانش‌آموزان بوده است. از نظر وی، «مهم‌ترین رکن در برنامه‌های درسی و تحولات آن‌ها معلمان هستند و حتی معلم بیشتر از برنامه اهمیت دارد.»

در گفت‌وگویی که می‌خوانید، از نحوه تدریس و ارزشیابی کتاب جدید و رویکردهای آن سخن گفته است.

هدف از تلفیق سه حوزه جغرافیا، تاریخ و علوم اجتماعی چه بود؟

ابتدا باید این را توضیح بدهم که پس از سال‌ها مطالعه، تحقیق و تشکیل جلسات و کارگاه‌ها، راهنمای برنامه جدیدی برای مطالعات اجتماعی در دوره آموزش عمومی (ابتدایی تا پایان دوره اول متوسطه) نوشته شد. این راهنمای برنامه - که به خصوص مراحل آخر تولید آن با تولید سند برنامه درسی ملی همراه بود - با این سند همسوسازی شد و در نهایت در شورای علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی هم به تصویب رسید. این راهنما در دو مرحله اعتباربخشی شد؛ یک بار اعتباربخشی درون سازمانی و یک بار اعتباربخشی برون سازمانی که طی آن‌ها متخصصان درباره آن نظر دادند. یک گردهمایی کشوری هم در این زمینه در باشگاه فرهنگیان تهران داشتیم و نظرات دبیران استان‌ها را در مورد محتوا و سرفصل‌های این راهنما جویا شدیم.

ضرورت‌های متعددی باعث تغییر در برنامه مطالعات اجتماعی شد که یکی از آن‌ها مسئله تلفیق این دروس بود. سال‌ها بود که جدایی این دروس از هم و حجم زیاد برنامه و زمان کم یک ساعت برای هر درس معضلاتی را به وجود آورده بود. مثلاً معلمان مجبور بودند دانش‌آموزان را از مطالب و دانستنی‌های بسیاری به سرعت عبور دهند، مرتب کلاس عوض کنند، چندین دسته ورقه امتحانی تصحیح کنند و... یعنی معلم علوم اجتماعی مجبور بود در هر نیم‌سال یا هر آزمون داخلی، یک بار جغرافیا، یک بار تاریخ و یک بار هم علوم اجتماعی را امتحان بگیرد و این موضوع مشکلات زیادی ایجاد کرده بود. سال‌ها بود که معلمان به شورای عالی آموزش و پرورش و دفتر تألیف کتاب‌های درسی نامه می‌نوشتند و از این موضوع شکایت می‌کردند. این، یکی از ضرورت‌های اجرایی تلفیق سه درس تاریخ، جغرافیا و علوم اجتماعی بود. البته تلفیق این سه درس تنها از ضرورت‌های اجرایی تبعیت نمی‌کند بلکه مبانی علمی و آموزشی نیز دارد.

در برنامه جدید، به جای سه درس، پنج حوزه موضوعی را طراحی کردیم که عبارت‌اند از: حوزه فضا و مکان؛ حوزه زمان، تداوم و تغییر؛ حوزه فرهنگ و هویت؛ حوزه نظام اجتماعی؛ حوزه منابع و فعالیت‌های اقتصادی

اکنون در برنامه درسی ملی هم حوزه یادگیری مطالعات اجتماعی و علوم انسانی پیش‌بینی شده است. این حوزه یادگیری از تعامل انسان با محیط و روند زمان بحث می‌کند و شاخه‌های گوناگونی را مانند اقتصاد، مردم‌شناسی، حقوق، جامعه‌شناسی، جغرافیا، تاریخ، مطالعات دینی، مطالعات زیست‌محیطی، آموزش‌های شهروندی و... دربرمی‌گیرد. در سند برنامه درسی ملی تجویز شده که دروس حوزه تا پایان دوره آموزش عمومی به صورت تلفیقی ارائه شود. ما هم در راهنمای برنامه جدید، همه این‌ها را یک کل یکپارچه و در یک قالب طراحی کرده‌ایم.

این تلفیق چگونه صورت گرفته است؟

در برنامه جدید، به جای سه درس، پنج حوزه موضوعی را طراحی کرده‌ایم. حوزه **فضا و مکان** که ناظر به جغرافیاست؛ حوزه **زمان، تداوم و تغییر** که به تاریخ ناظر است و حوزه **فرهنگ و هویت** که جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و علوم اجتماعی را دربرمی‌گیرد.

رویکرد برنامه جدید، تربیت اجتماعی و پرورش مهارت‌های زندگی و هویت‌بخشی برنامه است. به دلیل شرایط کتاب‌محوری که سال‌ها در کشور ما حاکم بوده است، معلم به محض اینکه کتاب را می‌بیند، به این فکر می‌کند که چند سؤال می‌تواند از آن استخراج کند

حوزه چهارم حوزه **نظام اجتماعی** است که علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و حقوق ناظر بر آن است و در نهایت حوزه **منابع و فعالیت‌های اقتصادی** که با اقتصاد، جغرافیا و مطالعات زیست‌محیطی سروکار دارد.

برای هر کدام از این حوزه‌ها نیز سه مفهوم کلیدی در نظر گرفتیم که از پایه سوم ابتدایی تا پایان دوره اول متوسطه در جداول وسعت و توالی توسعه پیدا می‌کنند. بنابراین، یک کتاب تحت عنوان مطالعات اجتماعی خواهیم داشت که سعی کرده‌ایم در آن توازن بین حوزه‌ها وجود داشته باشد. یعنی هر کدام از تم‌ها یا مضامین کتاب، دو، سه یا چهار حوزه موضوعی را پوشش می‌دهند.

مثلاً در مطالعات اجتماعی پایه هفتم، درسی با عنوان «من کجا زندگی می‌کنم؟» داریم. حوزه موضوعی غالب در این درس، جغرافیا، یا همان فضا و مکان است و درباره ویژگی‌های طبیعی و انسانی محیط پیرامون بحث می‌کند. ولی ما در این درس اداره شهر و روستا، وظایف شهرداری و... را نیز یادآور شده و یک نهاد و مؤسسه اجتماعی را معرفی کرده‌ایم؛ موضوعی که قبلاً در کتاب علوم اجتماعی مطرح بود. یعنی در جاهایی که توانسته‌ایم بین حوزه‌ها پلی ایجاد کرده‌ایم.

حتی در بحث تاریخ ایران باستان که حوزه موضوعی زمان، تداوم و تغییر را شامل می‌شود، جاذبه‌های گردشگری تاریخی ایران یا مسئله قنات را که ابداع ایرانیان باستان و در عین حال موضوعی جغرافیایی هم هست مطرح کردیم.

ما با این تلفیق سعی کردیم هم بر مشکلات اجرایی غلبه کنیم، هم حوزه‌های موضوعی را با یکدیگر و با مسائل زندگی پیوند دهیم. از نظر علم برنامه‌ریزی درسی و یافته‌های علمی نیز مغز انسان همواره دنبال اتصالات و ارتباطات است، بنابراین وقتی تجربه‌های یادگیری با هم ارائه می‌شوند، به گونه‌ای که با زندگی ارتباط داشته باشند، یادگیری در دانش‌آموزان تسهیل می‌شود. البته تأکید می‌کنم که تلفیق یکی از نمودهای این تغییر برنامه بوده است. این برنامه از ابعاد دیگر هم تغییر کرده است.

بهتر است درباره سایر این ابعاد بیشتر توضیح بدهید.

یکی دیگر از ضرورت‌های تغییر برنامه، رویکرد برنامه است. رویکرد برنامه جدید، تربیت اجتماعی و شهروندی است.

در گذشته، بین تاریخ، جغرافیا و علوم اجتماعی با زندگی دانش آموز و مسائل تربیت اجتماعی پیوند ضعیفی برقرار می‌شد و دانش‌آموزان در حوزه مطالعات اجتماعی بیشتر مجبور به حفظ کردن دانستنی‌های زیاد بودند. معلمان نیز بر اطلاعات و دانش تأکید می‌کردند. در واقع، این درس‌ها بیشتر جنبه انتقال اطلاعات داشت، در حالی که ارزش‌ها و نگرش‌ها یا به تعبیر برنامه درسی ملی، عناصری مورد غفلت قرار می‌گرفت، مانند ایمان، اخلاق، علم، عمل و تفکر. به همین دلیل در برنامه جدید فعالیت‌هایی را طراحی کرده‌ایم که به این ابعاد پاسخ دهند؛ البته اگر معلمان آن‌ها را خوب اجرا کنند.

نکته بعدی توجه به مهارت‌های زندگی است. ما باید به این نکته توجه داشته باشیم که درس‌ها به‌منظور آماده کردن دانش‌آموزان برای زندگی ارائه می‌شوند. ما نمی‌خواهیم دانش‌آموزان حتماً در آینده متخصص تاریخ، جغرافیا و علوم اجتماعی شوند، بلکه می‌خواهیم از این دروس برای زندگی بهره بگیرند. مثلاً وقتی در جغرافیا بحث مقیاس نقشه را مطرح می‌کنیم، می‌خواهیم بچه‌ها بتوانند به نقشه مراجعه و نقشه‌خوانی کنند. یا در تاریخ، بینش و نگرشی نسبت به تاریخ و تحولات تاریخی پیدا کنند نه فقط به بازگویی اطلاعات تاریخی بپردازند. یا مثلاً وقتی در درس‌های اقتصادی مباحث تولید، توزیع و مصرف ارائه می‌شوند، چگونه مصرف کردن و مصرف مبتنی بر حفظ محیط‌زیست را آموزش دهیم. به‌طور خلاصه، هدف ما از این آموزش‌ها برقراری پیوند و کاربرد در زندگی است.

آیا مفاهیم مطالعات اجتماعی از دوره ابتدایی تا متوسطه یک طیف هستند؟

بله. جدول وسعت و توالی محتوا داریم. در برنامه جدید سعی کرده‌ایم تکرار وجود نداشته

معلم مطالعات اجتماعی

کارش سخت‌تر است، چرا که دانش‌آموزان باید بسیاری از مضامین تربیتی و اجتماعی را در خود معلم احساس و مشاهده کنند تا آن ارزش‌ها و نگرش‌ها در آن‌ها هم درونی شود

باشد. البته باید بگویم که گاهی موضوع یکی است و تکرار می‌شود اما سطح آن متفاوت است. مثلاً در دوره ابتدایی ممکن است اشاراتی به تاریخ ایران باستان داشته باشیم، کودک را به تخت جمشید ببریم و توضیحاتی ارائه دهیم و او را با مدارک و شواهدی ملموس آشنا کنیم. در دوره اول متوسطه سطحی از زندگی اجتماعی اقتصادی در ایران باستان را ارائه دهیم و در دوره دوم متوسطه تحلیل‌های عمیق‌تری از تاریخ انجام دهیم. بنابراین، موضوع در سطوح مختلف ارائه می‌شود تا دانش‌آموزان به مهارت‌های بالاتری در زمینه آن موضوع دست یابند.

مزیت‌های تلفیق شدن تاریخ، جغرافیا، علوم اجتماعی و پیش‌بینی آن‌ها در یک حوزه یادگیری چیست؟

یکی از مزایای راحت‌تر شدن کار معلم‌هاست، به طوری که دیگر مانند قبل مجبور نیستند از این شاخه به آن شاخه بروند، بلکه روی یک مضمون متمرکز می‌شوند و در طول هفته با

باید به این نکته توجه داشته

باشیم که دروس تاریخ،

جغرافیا و علوم اجتماعی

به‌منظور آماده کردن

دانش‌آموزان برای زندگی

ارائه می‌شوند

سه درس سروکار ندارند. از لحاظ تصحیح اوراق امتحانی و ارزشیابی هم دیگر با سه مقوله روبه‌رو نیستند.

در دانش‌آموزان هم پیوند بهتری بین مطالب برقرار می‌شود و آن‌ها با مطالب مختلف و متضاد در جلسات کوتاه یک هفته روبه‌رو نمی‌شوند. علاوه بر این، وقتی درس‌ها در یک قالب ارائه می‌شوند، از اصول و رویکردهای یکسان تبعیت می‌کنند. یعنی دیگر فعالیت‌های جغرافیا، تاریخ و علوم اجتماعی با هم متفاوت نیستند. در همه آن‌ها مهارت‌های مشابهی دنبال می‌شوند که عبارت‌اند از: مهارت‌های بررسی و کاوش، خلاقیت، اظهارنظر، برقراری ارتباط و مشارکت. این مهارت‌ها در همه دروس تاریخ، جغرافیا و علوم اجتماعی پیش‌بینی شده‌اند. به عبارت دیگر، برنامه یکدست شده و درس‌ها هم‌جهت شده‌اند که این امر خود یادگیری را تسهیل می‌کند.

تا پیش از این معلمان مرزبندی مشخصی برای تدریس این درس‌ها در سه زنگ داشتند، اما حالا که این مرزها کمرنگ شده‌اند، آن‌ها چگونه می‌توانند کتاب را تدریس کنند؟

کتاب ما ۱۲ فصل و ۲۴ درس دارد. آن‌ها به ترتیب فصول کتاب را تدریس می‌کنند و هر دو هفته یک‌بار روی یک موضوع متمرکز می‌شوند. در این کتاب حوزه غالب در چهار فصل اول نظام اجتماعی و فرهنگ و هویت است. اگرچه به حوزه‌های دیگر هم نقب زده شده است. در چهار فصل دوم بار جغرافیایی بیشتر است، یعنی حوزه موضوعی غالب در آن جغرافیاست. اگرچه در جاهایی که توانستیم، به تاریخ و علوم اجتماعی و اقتصاد و... هم گریزی زده‌ایم. در چهار فصل آخر هم حوزه موضوعی غالب تاریخ است.

البته تلفیق یک طیف است که ابتدای آن رشته‌های جداگانه و انتهای آن تلفیق کامل است، به طوری که در انتها مرزهای رشته‌ها محو می‌شوند. ما در ابتدایی از درجه تلفیق بیشتر و در دوره اول متوسطه از تلفیق کمتر استفاده می‌کنیم و حوزه‌ها و دروس وضوح

معلمان به ارزشیابی مستمر بها دهند و امتحان را به آزمون‌های پایانی هراس آور برای دانش‌آموزان تبدیل نکنند

مچ‌گیری از دانش‌آموز نیست که بخواهیم سوالات حاشیه‌ای مطرح کنیم.

نکته‌ای که معلمان در بحث ارزشیابی مطرح می‌کنند مسئله تیزهوشان است. بسیاری عنوان می‌کنند که ما از کتاب‌های تست و تمرین استفاده می‌کنیم، چرا که دانش‌آموزان می‌خواهند در امتحانات مدارس تیزهوشان شرکت کنند. مگر چند درصد از دانش‌آموزان ما در تیزهوشان شرکت می‌کنند؟ ما حق نداریم به خاطر یک گروه اقلیت، رویکرد آموزشی خود را قربانی کنیم. نباید تست و تمرین اضافی را به همه دانش‌آموزان تحمیل کنیم. دانش‌آموزانی که می‌خواهند در مدارس تیزهوشان شرکت کنند می‌توانند خودشان از کلاس‌های فوق‌العاده استفاده کنند و خود را برای آن امتحانات آماده کنند. ولی رویکرد برنامه ما نباید قربانی مدارس تیزهوشان شود. معلم ما باید توجه کند که اگر دانش‌آموز با کمک درس مطالعات اجتماعی چیزی برای زندگی‌اش آموخت، از درس بهره برده است.

نکات برجسته در انتخاب محتوای این کتاب تلفیقی چیست؟

فصل اول کتاب به موضوع حقوق و مسئولیت‌ها و فصل دوم به قوانین و مقررات می‌پردازد. تاکنون درباره مسئولیت در کتاب‌ها مطالب زیادی داشته‌ایم ولی درباره حقوق نه. در این فصل به حقوق فردی و اجتماعی پرداخته می‌شود و در فصل سوم به برخی حقوق ملت در قانون اساسی اشاره می‌شود. به مفاهیم و مهارت‌های اقتصادی و سواد مالی که در برنامه‌های قبلی مغفول واقع شده بود توجه شده و فصل چهارم کتاب به موضوعاتی مثل مصرف بهینه، استاندارد و حقوق مصرف‌کننده اختصاص دارد. در نوع سازمان‌دهی محتوای تاریخ تحولی به وجود آمده و دیگر محتوا بر سلسله‌ها و رویدادها و به عبارت دیگر تاریخ سیاسی مبتنی نیست بلکه به تاریخ تحولات اجتماعی و اقتصادی و وجوه دیگر توجه شده است. دانش‌آموزان بررسی خواهد و مدارک را یاد می‌گیرند. در آموزش‌های جغرافیایی به موضوعات زیست‌محیطی که اهمیت دارد

۵۰ سؤال به شیوه‌های گوناگون درآورده‌اند. گاهی هم شیوه‌های تدریس آن‌ها با روش‌های نوین تدریس همخوانی ندارد یا اینکه دانش‌آموزان را به کتاب‌های تست و تمرین سوق می‌دهند، در حالی که رویکرد برنامه، تربیت اجتماعی و فرهنگی است و برای رسیدن به هدف‌های آن، فعالیت‌هایی را در کتاب طراحی کرده‌ایم. مثلاً در درس اول کتاب اول دوره اول متوسطه درباره حقوق و مسئولیت‌ها بحث کرده‌ایم. از معلمان خواسته‌ایم موضوع این فصل را در کلاس به بحث بگذارند. یا در فصل دوم ضرورت وجود مقررات، از دانش‌آموزان بخواهند برای یک اردوی فرضی مقررات و قوانین بنویسند. اگر معلم این فعالیت‌ها را در کلاس به خوبی انجام دهد، مطمئن باشید دانش‌آموزان یاد می‌گیرند و از عهده امتحان هم برمی‌آیند و نیازی به کتاب‌های تست و سؤال نیست. هراس از امتحان موردی ندارد. چون هدف ما در امتحان

ما با این تلفیق سعی کردیم هم بر مشکلات اجرایی غلبه کنیم، هم حوزه‌های موضوعی را با یکدیگر و با مسائل زندگی پیوند دهیم

دارند. در این دوره ما از تلفیقی که حوزه‌ها را کاملاً در هم مستحیل کند، استفاده نکرده‌ایم، بلکه کوشیده‌ایم یک حوزه موضوعی غالب باشد و در عین حال پیوندهایی هم با حوزه‌های موضوعی دیگر داشته باشد.

معلمان باید این درس‌ها را به ترتیب تدریس کنند، یعنی در نیم‌سال نخست نیمی از کتاب و در نیم‌سال دوم نصف دیگر کتاب تمام می‌شود. برای هر فصل دو هفته زمان پیش‌بینی کرده‌ایم. این برای دانش‌آموز هم خیلی خوب است، چرا که در گذشته دانش‌آموز یک درس جغرافیا می‌خواند، یک درس تاریخ و یک درس علوم اجتماعی، ولی الان روی یک موضوع تمرکز می‌کند. مثلاً در بحث مقابله با حوادث یا گردشگری، به مدت دو هفته حواس و فعالیت‌های دانش‌آموز روی موضوع متمرکز است تا یادگیری عمقی نسبت به آن موضوع در او به وجود آید و بعد وارد موضوع دیگر می‌شود.

معلمان برای تدریس این درس باید چه توانمندی‌هایی داشته باشند؟

اما در مورد انتظارات ما از معلمان. نخست اینکه معلمان حتماً مقدمه کتاب را بخوانند. ما مقدمه کتاب درسی را برای معلم می‌نویسیم تا اگر احیاناً کتاب راهنمای معلم دیرتر به دستشان برسد، اطلاعاتی درباره کتاب داشته باشند. در مقدمه بسیاری از مطالب را به معلمان گفته‌ایم، پس از معلمان می‌خواهیم حتماً مقدمه کتاب را بخوانند. در مقدمه به چند نکته اشاره کرده‌ایم که یکی از آن‌ها توجه به رویکرد تربیت اجتماعی و پرورش مهارت‌های زندگی و هویت‌بخشی برنامه است. یعنی حال که برنامه تغییر کرده است، روش‌های تدریس و ارزشیابی هم باید تغییر کند. متأسفانه طبق تجربه، معلمان ما خیلی سخت با رویکرد نو همراه می‌شوند. به دلیل شرایط کتاب‌محوری که سال‌ها در کشور ما حاکم بوده است، معلم به محض اینکه کتاب را می‌بیند، به این فکر می‌کند که چند سؤال می‌تواند از آن استخراج کند. حتی بعضی از معلم‌ها با افتخار بیان می‌کنند که از یک درس

و همچنین مهارت‌های جغرافیایی که قبلاً به‌طور ضعیف مدنظر بودند، توجه و تأکید شده است.

برای توانمند کردن معلم‌ها در زمینه‌هایی که اشاره کردید و آشنایی با روش‌های متناسب با این برنامه، برنامه خاصی دارید؟

من فکر می‌کنم مهم‌ترین رکن در برنامه‌های درسی و تحولات آن‌ها معلمان هستند؛ حتی معلم بیشتر از برنامه اهمیت دارد. چه بسا برنامه‌ای خوب طراحی شود و معلم نتواند آن را اجرا کند، یا برعکس، فقط برنامه‌ای معمولی داشته باشیم و معلم بتواند آن را به بهترین شکل ارائه کند. باید سرمایه‌گذاری زیادی در این زمینه شود و کلاس‌های ضمن خدمت، دوره‌های مفید و کارآمد برای معلمان برگزار شود.

تا جایی که به وظایف و حوزه‌ها مربوط می‌شود - چرا که ما دفتر تولید برنامه هستیم نه اجرا - در حال تولید کتاب راهنمای معلم هستیم و امیدواریم مدارس و مناطق آن را تقاضا کنند. گاهی کتاب‌های معلمان در انبار می‌ماند و تقاضایی برایشان نیست. خوب است معلمان عزیز این کتاب را مطالعه کنند.

البته ما در حال طراحی و تولید سایر اجزای بسته آموزشی مثل فیلم، نرم‌افزار، نقشه و... هم هستیم، اما ممکن است تولید آن‌ها طول بکشد. ما در گذشته هم معلمانی داشتیم که خودشان بخشی از عناصر بسته آموزشی را تولید می‌کردند. مثلاً معلم با توجه به کتاب، چند نقشه دیواری، کره جغرافیایی، اسلاید تاریخی و... تهیه می‌کرد. حتی خیلی از معلمان با دوربین یا موبایل از مکان‌های متفاوت عکس می‌گیرند و در موقع تدریس استفاده می‌کنند یا حتی مدل‌ها و ماکت‌های زمین‌شناسی و جغرافیایی تولید می‌کنند. من فکر می‌کنم در مدرسه حداقل قفسه‌ای به درس مطالعات اجتماعی اختصاص داده شود و معلم این موضوع را بداند که اگر این وسایل را تولید کند، می‌تواند تا چند سال از آن‌ها استفاده کند. بنابراین، معلمان هم باید برای تولید بسته

در گذشته، دروس تاریخ، جغرافیا و علوم اجتماعی بیشتر جنبه انتقال اطلاعات داشت، در حالی که ارزش‌ها و نگرش‌ها یا به تعبیر برنامه درسی ملی، عناصری مورد غفلت قرار می‌گرفت، مانند ایمان، اخلاق، علم، عمل و تفکر

آموزشی دست به کار شوند؛ ضمن اینکه ما هم در حال طراحی و تولید نرم‌افزارهای متناسب با موضوعات درسی هستیم.

پس معلمان منتظر بسته‌های آموزشی هم باشند؟

بعضی از اجزای بسته آموزشی بله، مثلاً کتاب معلم حتماً آماده می‌شود. ما در پایان کتاب درسی هم کاربرگ‌هایی را برای فعالیت در کلاس طراحی کرده‌ایم و این تا حدی ما را از کتاب‌های تست و تمرین بی‌نیاز می‌کند. کسانی که آمادگی دارند می‌توانند کتابی هم برای ارزشیابی تولید کنند و نمونه سؤالات خوب و مبتنی بر اهداف را به دست معلمان برسانند.

معلمان در روش‌های تدریس خود باید به چه نکات دیگری توجه کنند؟

نخست آنکه باید در محیط‌های یادگیری تنوع ایجاد کنند. با توجه به اینکه در برنامه درسی ملی حدود ۱۰۰ ساعت رسمی خارج از

ما از تلفیقی که حوزه‌ها را کاملاً در هم مستحیل کند، استفاده نکرده‌ایم، بلکه کوشیده‌ایم یک حوزه موضوعی غالب باشد و در عین حال پیوندهایی هم با حوزه‌های موضوعی دیگر داشته باشد

کلاس برای کل دروس پیش‌بینی شده‌است، معلمان مطالعات اجتماعی دانش‌آموز را سه یا چهار بار در سال برای درس مطالعات اجتماعی، بیرون از کلاس و مدرسه ببرند. مثلاً بازدید از موزه، منطقه جغرافیایی، سد، مؤسسات و نهادهای اجتماعی مانند بیمه، سازمان آب، شهرداری، انجمن شهر و روستا، آثار و ابنیه تاریخی. این کار در یادگیری دانش‌آموزان بسیار مؤثر خواهد بود.

همچنین، دبیران می‌توانند صاحب‌نظران را به کلاس دعوت کنند. مثلاً در بحث تولید توزیع و مصرف از یک تولیدکننده دعوت کنند تا راجع به شغلش توضیح دهد؛ ولو در مدت زمان کوتاه. این کار به یادگیری و کاربردی شدن موضوع درس کمک می‌کند. معلمان می‌توانند گاهی کلاس را در کتابخانه یا حیاط مدرسه یا نمازخانه تشکیل دهند و به محیط‌های یادگیری تنوع ببخشند.

ضمناً معلمان فعالیت‌های کتاب را برای آخر درس باقی نگذارند. گاهی مشاهده می‌شود آن‌ها فکر می‌کنند ابتدا باید درس دهند و بعد دانش‌آموزان فعالیت‌ها را انجام دهند. یعنی بین تدریس و فعالیت تفکیک قائل می‌شوند. ما امروزه در روش‌های نوین تدریس می‌خواهیم که بچه‌ها خودشان به مطالب برسند. آنچه که خود دانش‌آموز به آن دست پیدا می‌کند ارزشمند و نتیجه یادگیری عمقی است. معلم وظیفه دارد، تجربه‌های یادگیری یاددهی را بیافریند تا دانش‌آموز خود به موضوع برسد. پس فعالیت‌ها باید در حین تدریس انجام شود و نه پس از خاتمه درس.

ارزشیابی از کتاب چگونه خواهد بود؟

ابتدا باید بگویم که معلمان باید هراس از ارزشیابی را دور بیندازند. ما پیشنهاد کرده‌ایم که ۱۲ نمره ارزشیابی مستمر و ۸ نمره ارزشیابی پایانی پیش‌بینی شود. ممکن است این پیشنهاد پذیرفته شود و اگر هم پذیرفته نشد، حداقل ده نمره ارزشیابی مستمر و ده نمره ارزشیابی پایانی خواهد بود.

توصیه من به معلمان عزیز این است که ارزشیابی مستمر کتبی نباشد. ارزشیابی

معلمان می‌توانند در طول سال

چند جلسه برای خانواده‌ها
ترتیب و اهداف تربیتی کتاب
را توضیح دهند و از آن‌ها
بخواهند در خانه هم بر این
موارد نظارت داشته باشند

باشد. و کتاب‌هایی را که در این زمینه وجود دارند مطالعه کرده باشد یا دربارهٔ جغرافیا مثلاً پایگاه اینترنتی جغرافیایی یا برنامه‌ها و سمینارهای حوزهٔ جغرافیا را شناسایی کرده باشد. نباید به همان معلومات و کتاب‌هایی که سال‌ها پیش خوانده است بسنده کند.

ویژگی‌های دیگر معلم مطالعات اجتماعی چیست؟

معلم مطالعات اجتماعی باید نقش الگویی داشته باشد. اگر معلمی نسبت به حفظ محیط زیست حس و علاقه نداشته باشد، نمی‌تواند آن را به دانش‌آموز انتقال دهد. یا اگر قانون‌مداری و عدالت در رفتارش نمود نداشته باشد، نمی‌تواند در تدریس این موضوعات موفق باشد. معلم مطالعات اجتماعی کارش سخت‌تر است، چرا که دانش‌آموزان باید بسیاری از مضمون‌های تربیتی و اجتماعی را در خود معلم احساس و مشاهده کنند تا آن ارزش‌ها و نگرش‌ها در آن‌ها هم درونی شود.

برای معلمان مطالعات اجتماعی چه توصیه‌ای دارید تا کارشان را بهتر و راحت‌تر انجام دهند؟

۱. اصولاً مدتی طول می‌کشد که برنامهٔ جدید برای معلمان جا بیفتد. اما نگران نباشند، با مطالعهٔ راهنمای معلم و دسترسی به پایگاه اینترنتی نکات لازم را مطالعه کنند.

۲. بهتر است معلمان، مشارکت خانواده‌ها را جلب کنند و از آن‌ها کمک بگیرند. البته منظور این نیست که تکالیف خارج از توان دانش‌آموزان تعیین کنیم، به طوری که خانواده مجبور به انجام آن شود. ما انتظار نداریم والدین روزنامه دیواری درست کنند یا تحقیق کنند، ولی می‌توانیم خانواده‌ها را در جهت‌های تربیتی و پرورش مهارت‌ها و درونی‌سازی ارزش‌ها همگام کنیم. معلمان می‌توانند در طول سال چند جلسه برای خانواده‌ها ترتیب و اهداف تربیتی کتاب را توضیح دهند و از آن‌ها بخواهند در خانه هم بر این موارد نظارت داشته باشند.

مستمر یعنی شرکت بچه‌ها در بحث و گفت‌وگو، تهیهٔ روزنامه دیواری، ارائهٔ تحقیق، نوشتن گزارش و... بنابراین معلمان باید برای تمام این کارها امتیازاتی در نظر بگیرند و در ارزشیابی مستمر لحاظ کنند. حتی پیشنهاد می‌کنیم برای نمرهٔ مستمر، خانواده را هم مشارکت دهند. مثلاً درباره بحث صرفه‌جویی معلم می‌تواند از خانواده بپرسد که آیا در نگرش دانش‌آموز تغییری به وجود آمده است یا نه. معلم می‌تواند با توجه به جوابی که خانواده می‌دهد، نمره‌ای برای دانش‌آموز منظور کند. بنابراین در سنجش، در وهلهٔ نخست، معلمان به ارزشیابی مستمر بها دهند و امتحانات را به آزمون‌های هراس‌آور برای دانش‌آموزان تبدیل نکنند.

دوم اینکه در ارزشیابی کتبی و پایانی حتماً اهداف مهم کتاب را در نظر بگیرند و از طرح سؤالات حاشیه‌ای و پراکنده پرهیز کنند. اصول آزمون را رعایت کنند و در سطح و نوع سؤالات تنوع ایجاد کنند. اگر فعالیت‌ها در حین تدریس به خوبی انجام گیرد و این اصول حفظ شود، مطمئناً دانش‌آموزان از پس ده نمرهٔ ارزشیابی کتبی پایانی هم بر می‌آیند.

به هر حال، ما در مقدمهٔ کتاب هم یادآور شده‌ایم که چون این کتاب رویکرد اجتماعی و تربیتی دارد هیچ دانش‌آموزی نباید از این درس سرخورده شود. معلم باید تمام توانش را به کار ببرد و به دانش‌آموزان در رفع ضعف‌هایشان کمک کند نه اینکه تاریخ، جغرافیا و علوم اجتماعی به باری بر دوش دانش‌آموز تبدیل شود. ما می‌خواهیم دانش‌آموزان خاطرهٔ خوشی از این درس داشته باشند. خوشبختانه وقتی کتاب با زندگی دانش‌آموزان پیوند می‌خورد، از آن استقبال می‌کنند. ما نباید این شیرینی را با امتحانات نامناسب تلخ کنیم.

معلمان برای توانمند کردن خود چه کاری می‌توانند انجام دهند؟ خصوصاً اگر کتاب معلم دیر به دستشان برسد

یا دوره‌ها دیر برگزار شود.

یکی از راه‌ها استفاده از پایگاه اینترنتی گروه مطالعات اجتماعی دفتر تألیف کتاب‌های درسی است. به هر حال، کتاب درسی و راهنمای روی تارنمای ما گذاشته می‌شود. معلمی که پویاست، خودش این موضوع را دنبال می‌کند.

دیگر اینکه برخی از معلمان ما گمان می‌کنند اگر چیزی را بپرسند خود را در معرض این اتهام قرار می‌دهند که بلد نیستند. در حالی که معلم خوب کسی است که برای بهبود روش‌های آموزشی خود از تجربهٔ معلمان کارآمد و برجسته و موفق استفاده می‌کند و پرسیدن را برای خود بد نمی‌داند.

سوم اینکه معلم مطالعات اجتماعی باید به روز باشد و خود را از نظر سواد علمی به روز کند. مثلاً در حوزهٔ تاریخ ایران باستان نباید سطح سوادش در حد کتاب درسی باشد، بلکه باید اطلاعات بیشتری داشته

نشانی پایگاه اینترنتی

گروه درسی مطالعات اجتماعی
دفتر تألیف کتاب‌های درسی:

<http://socialstudies-dept.talif.sch.ir>